



دوره مطالعات تحلیلی / تطبیقی حقوق بین‌الملل خصوصی

۲

تابعیت اعضای خانواده در حقوق ایران

مصطفی دانش‌پژوه

دانشیار گروه حقوق پژوهشگاه حوزه و دانشگاه



پژوهشگاه حوزه و دانشگاه

زمستان ۱۴۰۰

دانش پژوه، مصطفی، ۱۳۳۵-
عنوان قراردادی: ایران، قوانین و احکام.
تابعیت اعضای خانواده در حقوق ایران / مصطفی دانش پژوه. - قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۴۰۰.
دوازده، ۲۴۰ ص. - (پژوهشگاه حوزه و دانشگاه: ۶۱۰: حقوق و فقه اجتماعی؛ ۶۶)
بها: ۵۸۰۰۰۰ ریال
فهرست نویسی براساس اطلاعات فیپا.
کتابنامه، ص. [۲۳۳] - ۲۳۸.
۱. حقوق خانواده -- ایران. ۲. Domestic relations -- Iran. ۳. تابعیت -- ایران. ۴. Citizenship -- Iran.
الف. پژوهشگاه حوزه و دانشگاه. ب. عنوان.
KMH۵۴۰
شماره کتابشناسی ملی
۳۴۶/۵۵۰۱۵
۸۷۳۱۹۱۲

این کتاب با کاغذ حمایتی منتشر شده است.



تابعیت اعضای خانواده در حقوق ایران

مؤلف: مصطفی دانش پژوه (دانشیار پژوهشگاه حوزه و دانشگاه)

ناشر: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه

صفحه آرایبی: تحریر اندیشه

چاپ اول: زمستان ۱۴۰۰

تعداد: ۳۰۰ نسخه

لیتوگرافی: سعیدی

چاپ: قم - سبحان

قیمت: ۵۸۰۰۰ تومان

کلیه حقوق برای پژوهشگاه حوزه و دانشگاه محفوظ و نقل مطالب با ذکر مأخذ بلامانع است.

قم: ابتدای شهرک پردیسان، بلوار دانشگاه، نبش میدان علوم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، تلفن: ۰۲۵-۳۲۱۱۱۱۰۰ (انتشارات

۳۲۱۱۱۳۰۰) نمابر: ۰۲۵-۳۲۸۰۳۰۹۰، ص. پ. ۳۱۵۱-۳۷۱۸۵

تهران: خ انقلاب، بین وصال و قدس، کوی اُسکو، پلاک ۴، تلفن: ۰۲۵-۶۶۴۰۲۶۰۰

www.rihu.ac.ir

info@rihu.ac.ir

فروشگاه اینترنتی: <http://rihu.ac.ir/fa/book>

مرکز پخش: قم، خیابان معلم، مجتمع ناشران، طبقه همکف، پلاک ۲۷، تلفن: ۰۲۵-۳۷۸۴۲۶۳۵-۶

سخن پژوهشگاه

پژوهش در علوم انسانی به منظور شناخت، برنامه‌ریزی و ضبط و هدایت پدیده‌های انسانی در راستای سعادت واقعی بشر ضرورتی انکارناپذیر است و استفاده از عقل و آموزه‌های وحیانی در کنار داده‌های تجربی و در نظرگرفتن واقعیت‌های عینی، فرهنگ و ارزش‌های اصیل جوامع شرط اساسی پویایی، واقع‌نمایی و کارایی این‌گونه پژوهش‌ها در هر جامعه است.

پژوهش کارآمد در جامعه ایران اسلامی در گرو شناخت واقعیت‌های جامعه از یک‌سو و اسلام به عنوان متقن‌ترین آموزه‌های وحیانی و اساسی‌ترین مؤلفه فرهنگ ایرانی از سوی دیگر است؛ از این‌رو، آگاهی دقیق و عمیق از معارف اسلامی و بهره‌گیری از آن در پژوهش، بازنگری و بومی‌سازی مبانی و مسائل علوم انسانی از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است.

توجه به این حقیقت راهبردی از سوی امام خمینی (ره)، بنیان‌گذار جمهوری اسلامی، زمینه شکل‌گیری «دفتر همکاری حوزه و دانشگاه» را در سال ۱۳۶۱ فراهم کرد و با راهنمایی و عنایت ایشان و همت استادان حوزه و دانشگاه، این نهاد علمی شکل گرفت. تجربه موفق این نهاد، زمینه را برای گسترش فعالیت‌های آن فراهم آورد و با تصویب شورای گسترش آموزش عالی در سال ۱۳۷۷ «پژوهشکده حوزه و دانشگاه» تأسیس شد و در سال ۱۳۸۲ به «مؤسسه پژوهشی حوزه و دانشگاه» و در سال ۱۳۸۳ به «پژوهشگاه حوزه و دانشگاه» ارتقا یافت.

پژوهشگاه حوزه و دانشگاه تاکنون در ایفای رسالت سنگین خود خدمات فراوانی به جامعه علمی ارائه نموده است که از آن جمله می‌توان به تهیه، تألیف، ترجمه و انتشار بیش از ۶۰۰ عنوان کتاب و شش نشریه علمی اشاره کرد.

این اثر به عنوان متن درسی، برای درسی با عنوان «تابعیت اعضای خانواده» برای مقطع تحصیلی کارشناسی ارشد «حقوق خانواده» فراهم آمده است که می تواند مورد استفاده دیگر دانشجویان و علاقه مندانی که می خواهند که تابعیت را از منظر خانوادگی مطالعه کنند، قرار گیرد.

از استادان و صاحب نظران ارجمند تقاضا می شود با همکاری، راهنمایی و پیشنهادهای اصلاحی خود، این پژوهشگاه را در جهت اصلاح کتاب حاضر و تدوین دیگر آثار مورد نیاز جامعه دانشگاهی کشور یاری دهند.

در پایان پژوهشگاه لازم می داند از تلاش های مؤلف محترم، حجت الاسلام و المسلمین جناب آقای مصطفی دانش پژوه و ارزیابان محترم، آقای دکتر محمدتقی عابدی و دکتر حسین قافی سپاسگزاری کند.

فهرست مطالب

فهرست اجمالی

۷.....	بخش اول: کلیات تابعیت
۹.....	فصل اول: تبیین و توصیف تابعیت
۲۵.....	فصل دوم: مبانی و اصول حاکم بر تابعیت
۴۵.....	فصل سوم: برخورداری از تابعیت (دارا بودن یا دارا شدن تابعیت)
۵۹.....	فصل چهارم: نابرخورداری از تابعیت (دارا نبودن تابعیت یا پایان یافتن آن)
۷۱.....	بخش دوم: تابعیت در حقوق ایران
۷۷.....	فصل اول: برخورداری از تابعیت دولت ایران (دارا بودن یا دارا شدن تابعیت ایران)
۷۸.....	مبحث اول: تابعیت مستقل از خانواده
۱۰۰.....	مبحث دوم: تابعیت در خانواده
۱۴۵.....	فصل دوم: نابرخورداری از تابعیت ایران (دارا نبودن تابعیت ایران یا پایان یافتن تابعیت ایرانی)
۱۴۸.....	مبحث اول: پایان تابعیت مستقل از خانواده
۱۶۱.....	مبحث دوم: پایان تابعیت در خانواده
۱۸۹.....	پی‌نوشت‌ها
۲۳۳.....	منابع

فهرست تفصیلی

پیشگفتار.....	۱
مقدمه.....	۵
مفهوم و تعریف خانواده و خانواده موضوع بحث.....	۵

بخش اول: کلیات تابعیت فصل اول: تبیین و توصیف تابعیت

مبحث اول: جایگاه بحث و زمینه پیدایش تابعیت.....	۱۰
گفتار نخست: جایگاه بحث.....	۱۰
گفتار دوم: زمینه پیدایش تابعیت.....	۱۰
مبحث دوم: پیشینه و تاریخچه تابعیت.....	۱۲
مبحث سوم: تعریف و ارکان تابعیت.....	۱۳
گفتار نخست: تعریف تابعیت.....	۱۳
گفتار دوم: ارکان تابعیت.....	۱۴
بند یک: فرد.....	۱۵
بند دو: دولت.....	۱۵
مبحث چهارم: انواع تابعیت.....	۱۶
گفتار نخست: انواع تابعیت به لحاظ زمان پیدایش آن برای فرد.....	۱۷
گفتار دوم: انواع تابعیت به لحاظ درجه بهره‌مندی تبعه از حقوق و الزام به تکالیف.....	۱۷
مبحث پنجم: تابعیت و شهروندی (و دیگر نهادهای نزدیک و مرتبط).....	۱۸
مبحث ششم: آثار تابعیت.....	۱۹
مبحث هفتم: معیارهای تشخیص و مقام تشخیص‌دهنده تابعیت.....	۲۰
خلاصه فصل.....	۲۲
پرسش و خودآزمایی.....	۲۲

فصل دوم: مبانی و اصول حاکم بر تابعیت

مبحث اول: مبانی قانون‌گذاری تابعیت.....	۲۶
گفتار نخست: واقعیت‌های عینی.....	۲۶
گفتار دوم: مصالح سیاسی.....	۲۷
مبحث دوم: اصول «ایدئال-بین‌المللی» حاکم بر تابعیت.....	۲۷
گفتار نخست: اصل اول: ضرورت تابعیت و نفی بی‌تابعیتی.....	۲۸
بند یک: اجرای اصل.....	۲۸
الف) قاعده همزادی شخص و تابعیت.....	۲۸
ب) قاعده پیوستگی تابعیت.....	۳۲

۳۲	بند دو: نقض اصل (پیدایش بی‌تابعیتی و مشکلات آن).....
۳۳	الف) علل پیدایش بی‌تابعیتی.....
۳۳	یک) بی‌تابعیتی تولدی.....
۳۴	دو) بی‌تابعیتی غیرتولدی.....
۳۴	ب) پیشگیری و راه‌حل.....
۳۵	گفتار دوم: اصل دوم: وحدت تابعیت و نفی چندتابعیتی.....
۳۵	بند یک: اجرای اصل.....
۳۶	بند دو: نقض اصل (پیدایش تابعیت مضاعف و مشکلات آن).....
۳۶	الف) علل پیدایش تابعیت مضاعف.....
۳۶	یک) تابعیت مضاعف تولدی.....
۳۷	دو) تابعیت مضاعف غیرتولدی.....
۳۷	ب) پیشگیری و راه‌حل.....
۴۰	گفتار سوم: اصل سوم: تغییرپذیری تابعیت.....
۴۰	بند یک: تبیین اصل.....
۴۲	بند دو: ارکان تغییر تابعیت و انواع آن (تغییر منفی و تغییر مثبت).....
۴۳	خلاصه فصل.....
۴۴	پرسش و خودآزمایی.....

فصل سوم: برخورداری از تابعیت (دارا بودن یا دارا شدن تابعیت)

۴۶	مبحث اول: دارا بودن تابعیت تولدی (تابعیت اصلی یا حصولی).....
۴۹	مبحث دوم: دارا شدن تابعیت غیرتولدی (تابعیت اکتسابی).....
۴۹	گفتار نخست: دارا شدن ارادی-تحصیلی تابعیت.....
۵۱	گفتار دوم: دارا شدن ارادی-رجوعی تابعیت.....
۵۲	گفتار سوم: دارا شدن تبعی تابعیت.....
۵۳	گفتار چهارم: دارا شدن تحققی تابعیت.....
۵۵	گفتار پنجم: دارا شدن شبه‌تحققی تابعیت.....
۵۶	گفتار ششم: دارا شدن اجباری تابعیت.....
۵۷	خلاصه فصل.....
۵۸	پرسش و خودآزمایی.....

فصل چهارم: نابرخورداری از تابعیت (دارا نبودن تابعیت یا پایان یافتن آن)

۶۱	مبحث اول: پایان یافتن تابعیت در نتیجه تغییر تابعیت.....
۶۱	گفتار نخست: پایان ارادی تابعیت.....
۶۳	گفتار دوم: پایان تبعی تابعیت.....
۶۳	گفتار سوم: پایان الحاقی تابعیت.....

گفتار چهارم و پنجم: پایان تحقیق تابعیت (در نتیجه ازدواج) و شبهه تحقیق (به سبب ازدواج).....	۶۴
مبحث دوم: پایان تابعیت در نتیجه سایر عوامل.....	۶۴
گفتار نخست: پایان تابعیت، به دلیل سلب تابعیت در نتیجه کسب تابعیت خارجی.....	۶۵
گفتار دوم: پایان تابعیت، به دلیل سلب تابعیت در نتیجه ارتکاب عمل مجرمانه و به عنوان مجازات.....	۶۶
گفتار سوم: پایان تابعیت، به دلیل سلب تابعیت در نتیجه پناهندگی.....	۶۷
گفتار چهارم: پایان تابعیت، به دلیل سلب تابعیت در نتیجه قطع علائق.....	۶۷
گفتار پنجم: پایان تابعیت، به دلیل سلب اجباری تابعیت.....	۶۸
خلاصه فصل.....	۶۹
پرسش و خودآزمایی.....	۶۹

بخش دوم: تابعیت در حقوق ایران

مقدمه.....	۷۳
------------	----

فصل اول: برخورداری از تابعیت دولت ایران (دارا بودن یا دارا شدن تابعیت ایران)

مبحث اول: تابعیت مستقل از خانواده.....	۷۸
گفتار نخست: دارا بودن تابعیت تولدی (تابعیت اصلی).....	۷۹
بند یک: دارا بودن تابعیت ایران براساس سیستم زادگاه.....	۷۹
بند دو: دارا بودن تابعیت ایران براساس سیستم یافتگاه.....	۸۰
بند سه: دارا بودن تابعیت ایران براساس سیستم اقامتگاه.....	۸۱
گفتار دوم: دارا شدن تحصیلی تابعیت (تابعیت تحصیلی).....	۸۲
بند یک: امکان قانونی.....	۸۲
بند دو: شرایط.....	۸۴
الف) شرایط ماهوی کسب تابعیت ایرانی.....	۸۴
ب) شرایط صوری تحصیل تابعیت در ایران.....	۸۹
بند سه: زمان و آثار پذیرش به تابعیت ایران.....	۹۰
الف) آثار شخصی.....	۹۰
ب) آثار خانوادگی.....	۹۲
گفتار سوم: دارا شدن رجوعی تابعیت (تابعیت رجوعی).....	۹۳
بند یک: موارد تابعیت رجوعی.....	۹۳
الف) ماده ۹۹۰ قانون مدنی.....	۹۳
ب) ماده ۹۸۷ قانون مدنی.....	۹۴
بند دو: نکات مهم.....	۹۴
خلاصه مبحث.....	۹۸
پرسش و خودآزمایی.....	۹۹
مبحث دوم: تابعیت در خانواده.....	۱۰۰

مقدمه	۱۰۱
گفتار اول: تابعیت ایرانی زوج (مرد بیگانه‌ای که با زن ایرانی ازدواج می‌کند)	۱۰۲
بند یک: دارا شدن تحقق‌ی تابعیت (تابعیت تحقق‌ی = دارا شدن تابعیت ایران در نتیجه ازدواج)	۱۰۲
بند دو: دارا شدن شبه‌تحقق‌ی تابعیت (تابعیت شبه‌تحقق‌ی = دارا شدن تابعیت ایران به سبب ازدواج)	۱۰۳
بند سه: دارا شدن تحصیلی تابعیت (تابعیت تحصیلی)	۱۰۳
بند چهار: دارا شدن رجوعی تابعیت (تابعیت رجوعی)	۱۰۴
بند پنج: دارا شدن تبعی تابعیت (تابعیت تبعی)	۱۰۴
گفتار دوم: تابعیت ایرانی زوجه (زن خارجی که با مرد ایرانی ازدواج می‌کند)	۱۰۵
بند یک: دارا شدن تحقق‌ی تابعیت (تابعیت تحقق‌ی)	۱۰۵
الف) تبیین تابعیت تحقق‌ی ایران	۱۰۵
ب) آثار تابعیت تحقق‌ی	۱۰۷
ج) بررسی پیامدهای تابعیت مضاعف احتمالی ناشی از تابعیت تحقق‌ی	۱۰۸
د) نقد و بررسی تابعیت تحقق‌ی	۱۱۰
بند دو: دارا شدن شبه‌تحقق‌ی تابعیت (تابعیت شبه‌تحقق‌ی)	۱۱۱
بند سه: دارا شدن تحصیلی تابعیت (تابعیت تحصیلی)	۱۱۱
بند چهار: دارا شدن رجوعی تابعیت (تابعیت رجوعی)	۱۱۲
الف) مستقل از خانواده	۱۱۲
ب) در چارچوب خانواده	۱۱۳
بند پنج: دارا شدن تبعی تابعیت (تابعیت تبعی)	۱۱۳
گفتار سوم: تابعیت ایرانی فرزندان	۱۱۴
بند یک: دارا بودن تولدی تابعیت (تابعیت اصلی)	۱۱۵
الف) سیستم خون	۱۱۵
ب) سیستم مختلط خاک و خون	۱۲۳
اول: به استناد بند ۴ ماده ۹۷۶ قانون مدنی	۱۲۳
دوم: به استناد بند ۵ ماده ۹۷۶ قانون مدنی	۱۲۵
ج) سیستم زادگاه مشروط به رفتار متقابل	۱۲۷
بند دو: دارا شدن تبعی تابعیت (تابعیت تبعی)	۱۲۹
بند سه: دارا شدن تحصیلی تابعیت (از پایگاه خانوادگی و به تقاضای شخص یا مادر)	۱۳۱
بند چهار: دارا شدن رجوعی تابعیت (تابعیت رجوعی)	۱۳۸
بند پنج: دارا شدن تحقق‌ی تابعیت (تابعیت تحقق‌ی)	۱۳۹
بند شش: تابعیت فرزندخوانده در حقوق ایران	۱۳۹
بند هفت: جمع‌بندی و نتیجه‌گیری کلی	۱۴۲
خلاصه میحث	۱۴۳
پرسش و خودآزمایی	۱۴۴

فصل دوم: نابرخورداری از تابعیت ایران (دارا نبودن تابعیت ایران یا پایان یافتن تابعیت ایرانی)

۱۴۶	مقدمه
۱۴۸	مبحث اول: پایان تابعیت مستقل از خانواده
۱۴۹	گفتار نخست: پایان ارادی تابعیت (ترک تابعیت)
۱۵۰	بند یک: ترک تابعیت، حق یا امتیاز؟
۱۵۰	بند دو: ویژگی تابعیتی که قابل ترک است
۱۵۱	بند سه: شرایط ترک تابعیت
۱۵۲	بند چهار: مقام تصمیم گیرنده
۱۵۳	بند پنج: آثار ترک تابعیت
۱۵۳	الف) آثار شخصی
۱۵۴	ب) آثار خانوادگی
۱۵۵	بند شش: ماهیت ترک تابعیت
۱۵۶	بند هفت: ترک غیرقانونی تابعیت
۱۵۷	گفتار دوم: پایان تابعیت، به دلیل سلب تابعیت در نتیجه تحصیل غیرقانونی تابعیت خارجی
۱۵۷	گفتار سوم: پایان تابعیت به دلیل سلب تابعیت در نتیجه کشف غیرقانونی بودن تحصیل تابعیت ایران
	گفتار چهارم، پنجم و ششم: پایان تابعیت، به دلیل سلب تابعیت در نتیجه ارتکاب جرائم، قطع علائق و پناهندگی
۱۵۸	پناهندگی
۱۵۹	خلاصه مبحث
۱۶۰	پرسش و خودآزمایی
۱۶۱	مبحث دوم: پایان تابعیت در خانواده
۱۶۲	گفتار نخست: پایان تابعیت ایرانی زوج و پدر
۱۶۲	بند یک: راه‌های پایان تابعیت
۱۶۴	بند دو: آثار پایان تابعیت
۱۶۵	گفتار دوم: پایان تابعیت ایرانی زوجه و مادر
۱۶۷	بند یک: پایان ارادی (ترک تابعیت)
۱۶۷	الف) ترک تابعیت «تحقیقی» ایران
۱۶۷	۱. چگونگی و شرایط
۱۶۹	۲. آثار
۱۷۰	ب) ترک تابعیت «غیرتحقیقی» ایران
۱۷۰	۱. چگونگی و شرایط
۱۷۱	۲. آثار
۱۷۲	ج) تفاوت ترک تابعیت‌های تحقیقی و غیرتحقیقی
۱۷۳	بند دو: پایان ارادی (رد تابعیت)
۱۷۳	الف) موارد رد تابعیت
۱۷۴	ب) آثار رد تابعیت

بند سه: پایان تحقیقی تابعیت ایران (پایان تابعیت در نتیجه ازدواج).....	۱۷۵
بند چهار: پایان شبهه تحقیقی تابعیت ایران (پایان تابعیت به سبب ازدواج).....	۱۷۶
الف) تبیین.....	۱۷۶
ب) آثار: پایان شبهه تحقیقی.....	۱۷۷
بند پنج: پایان تبعی و الحاقی.....	۱۷۸
گفتار سوم: پایان تابعیت ایرانی فرزندان.....	۱۷۹
بند یک: پایان ارادی تابعیت (ترک تابعیت).....	۱۷۹
بند دو: پایان ارادی تابعیت (رد تابعیت).....	۱۷۹
الف) تبیین موارد.....	۱۷۹
۱. رد تابعیت تولدی بند ۴.....	۱۸۰
۲. رد تابعیت تولدی بند ۵.....	۱۸۰
۳. رد تابعیت تبعی ماده ۹۸۴ قانون مدنی پیش از منجز شدن آن.....	۱۸۱
ب) نکته‌های قابل توجه.....	۱۸۱
بند سه: پایان تبعی و الحاقی تابعیت.....	۱۸۳
بند چهار و پنج: پایان تحقیقی و شبهه تحقیقی تابعیت.....	۱۸۴
خلاصه مبحث.....	۱۸۵
پرسش و خودآزمایی.....	۱۸۶

پی‌نوشت‌ها

پی‌نوشت ۱. مفهوم و تعریف خانواده؛ اختلاف دیدگاه‌ها و تعریف‌ها.....	۱۸۹
پی‌نوشت ۲. خانواده از دیدگاه فقه اسلام و حقوق ایران.....	۱۹۲
پی‌نوشت ۳. آثار مشابه مترتب بر تابعیت و بر ایمان.....	۱۹۹
پی‌نوشت ۴. معیارهای درجه اول و درجه دوم بودن تابعیت در نظام حقوقی اسلام.....	۲۰۱
پی‌نوشت ۵. مطالعه مختصر مبانی و اصول حاکم بر تابعیت دولت اسلامی.....	۲۰۲
پی‌نوشت ۶. تابعیت و ازدواج (دیدگاه‌های مختلف درباره رابطه و تأثیر متقابل تابعیت و ازدواج).....	۲۰۴
پی‌نوشت ۷. دلایل طرفداران دیدگاه سنتی.....	۲۱۳
پی‌نوشت ۸. دلایل طرفداران دیدگاه مدرن.....	۲۱۵
پی‌نوشت ۹. دیدگاه‌های مختلف درباره مبدأ زمانی تابعیت تولدی بر مبنای سیستم خون.....	۲۱۸
پی‌نوشت ۱۰. نقد دیدگاه عدم شمول سیستم خون نسبت به نسب نامشروع.....	۲۱۹
پی‌نوشت ۱۱. انتقادهای مربوط به ماده واحده‌های مصوب سال‌های ۱۳۸۵ و ۱۳۹۸.....	۲۲۱
پی‌نوشت ۱۲. متون قانونی مربوط به تابعیت در حقوق کنونی ایران.....	۲۲۵
منابع.....	۲۳۳

پیشگفتار

به نام خداوند جان و خرد کزین برتر اندیشه برنگذرد
تورا دانش دین رهاند درست در رستگاری بیایدت جست
به گفتار پیغمبرت راه جوی دل از تیرگی‌ها بدین آب شوی
که «من شهر علمم، علیم دراست درست این سخن، گفت پیغمبر است
اگر چشم داری به دیگر سرای به نزد نبی و وصی گیر جای^۱

با نام خدای می‌آغازم و پیش از هر سخن، او را حمد و سپاس می‌گویم و بر محمد و آل، درود می‌فرستم.

موضوع تابعیت به طور کلی و فارغ از نگاه خانوادگی به آن، به عنوان یکی از موضوعات درس حقوق بین‌الملل خصوصی (۱)، در مقطع کارشناسی رشته حقوق مورد بحث قرار می‌گیرد؛ اما در جدول شماره ۵ مربوط به دروس اختیاری سرفصل‌های مصوب کارشناسی ارشد حقوق خانواده، درسی یک واحدی با عنوان «تابعیت اعضای خانواده» پیش‌بینی شده است که تابعیت را از منظر عضویت فرد در خانواده بررسی می‌کند. به همین دلیل، طبیعی است که فصل‌بندی و چینش مباحث کتاب حاضر (به شرح اجمالی زیر)، که به منظور ارائه متن درسی مذکور فراهم آمده است، با کتاب‌های متداول تا اندازه‌ای متفاوت باشد تا بتواند مسئولیت خود را به انجام

۱. فردوسی، شاهنامه، «آغاز سخن».

رساند و تابعیت ایرانی فرد را، از موضع و پایگاه خانوادگی او مورد مطالعه قرار دهد، هرچند مواردی هم که تابعیت ایرانی فرد، بی‌ارتباط با پایگاه خانوادگی او است، مطالعه می‌شود. از آنجاکه موضوع بحث، تابعیت اعضای خانواده است، نخست به مفهوم خانواده و تعریف آن و خانواده موضوع سخن در بحث تابعیت، اشارتی شده است (مقدمه)، آنگاه تبیینی کلی و مختصر از تابعیت انجام شده و پس از تعریف و توصیف تابعیت و توضیح مبانی و اصول حاکم بر آن و نشان دادن چگونگی و راه‌های برخورداری یا نبرخورداری از تابعیت یک دولت (بخش اول: کلیات تابعیت)، توانسته است وارد بحث اصلی - یعنی تابعیت اعضای خانواده در حقوق ایران - شود و به ترتیب از تابعیت ایرانی زوج و پدر، تابعیت ایرانی زوجه و مادر و سپس تابعیت ایرانی فرزندان بحث کند (بخش دوم: تابعیت در حقوق ایران).

در اینجا بایسته است از همه کسانی که در فراهم آمدن این اثر یاری رسانم بوده‌اند، صمیمانه سپاسگزاری کنم:

- همسر همسو و فرزندان شکیبایم، که با همسویی و شکیبایی خویش، زمینه‌ساز چنین توفیقاتی هستند،

- دوستان و همکاران گرامی در گروه حقوق و فقه اجتماعی و دیگر بخش‌های پژوهشگاه، به‌ویژه کتابخانه و انتشارات و نیز ویراستار محترم، که بی‌مدد آنان این اثر فراهم نمی‌آمد،

- ارزیابان محترم، جناب آقای دکتر محمدتقی عابدی و دکتر حسین قافی که با تذکرات عالمانه و دقیقشان، نقایص این اثر را کاستند و بر اتقان آن افزودند،

- استاد معظم، جناب آقای دکتر الماسی، که سال‌ها پیش و در دوره دانشجویی، مرا با الفبای مبحث تابعیت آشنا کردند،

- و نیز همه کسانی که در فراهم ساختن این وجیزه، از آثار گرانبهایشان استفاده کردم.

ای غایت عقل و عشق، در گفت و شنفت در ختم سخن، حمد تو می‌باید گفت.^۱

الحمد لله رب العالمین - مصطفی دانش‌پژوه

پاییز ۱۴۰۰

۱. برگرفته از مقدمه مرحوم دکتر حسن حبیبی، بر ترجمه جلد دوم کتاب حقوق بین‌الملل عمومی، ص ۲۲، (تهران، انتشارات اطلاعات، ۱۳۸۳).

فهرست نموداری اجمالی کتاب



مقدمه

مفهوم و تعریف خانواده و خانواده موضوع بحث

«خانواده در لغت به معنای دودمان و تبار^۱ است. و اگرچه شاید به نظر برسد که مفهوم «خانواده» از مفاهیمی بسیار روشن و همه‌فهم است،... که نیازی به تعریف آن نیست؛ زیرا خانواده چیزی جز ترکیبی از یک شوهر و یک زن و فرزندان آنها نمی‌باشد؛ اما حقیقت آن است که این تصوّر، دقیق نیست؛ زیرا ساختار خانواده در طول تاریخ و در فرهنگ‌های مختلف، صورت‌های متفاوتی پذیرفته، و براساس دیدگاه‌های و نظریه‌های مختلف فلسفی و اجتماعی که درباره خانواده وجود دارد، تعاریف متعدد و متفاوتی درباره خانواده می‌تواند وجود داشته باشد، که بیشتر در دو رشته جامعه‌شناسی و روان‌شناسی اجتماعی پیگیری می‌شود.^۲

در عمل نیز، اسناد حقوقی ملی و بین‌المللی و صاحب‌نظران عرصه حقوق، براساس تخصص و نیازشان، هر کدام تعریفی از «خانواده» ارائه داده‌اند. برخی خانواده را یک سازمان اجتماعی دانسته، بعضی روابط خویشاوندی و همخونی را اساس تشکیل خانواده تلقی کرده‌اند، عده‌ای دیگر عامل اقتصادی، و گروهی نیز عوامل روانی و جنسی را سبب پیدایش آن قلمداد کرده‌اند.

برخی آن را بنیادی‌ترین و در نتیجه ضروری‌ترین واحد اجتماعی می‌دانند که باید به تحکیم

۱. لغت‌نامه دهخدا، ج ۶، ص ۹۴۳۸.

۲. ر.ک: بستان نجفی، خانواده در اسلام، ص ۷ و ر.ک: همین کتاب، پی‌نوشت ۱.

آن همت گماشت، و متقابلاً برخی دیگر (مثل مارکسیست‌ها و فمینیست‌ها)، آن را زایده‌ای محصول سرمایه‌داری یا استبداد مردان می‌دانند که باید جای خود را به دولت بسپارد.^۱

البته روشن است که در ادبیات حقوقی ایران اسلامی، خانواده مفهوم خاص خود را دارد که با پیوند مشروع و قانونی دو فرد غیرهم‌جنس شکل می‌گیرد و آغاز می‌شود، و با حضور فرزندان - دست‌کم تا زمانی که خود به استقلال نرسیده‌اند - به کمال می‌رسد، البته در تشکیل خانواده براساس زوجیت، مشروعیت رابطه، شرط اساسی است، به‌گونه‌ای که به اجتماع و زندگی مشترک نامشروع دو غیرهم‌جنس خانواده اطلاق نمی‌شود، اما در تشکیل خانواده براساس نسب (و نه سبب = ازدواج)، مشروعیت نسب، شرط نشده است، پس به زندگی مشترک پدر یا مادر طبیعی با فرزندان نامشروع خود، خانواده اطلاق می‌شود. خانواده بدین مفهوم، اگرچه به لحاظ قلمرو شمول، به سه خانواده کوچک، متوسط و بزرگ، قابل تقسیم است،^۲ اما منظور از خانواده در بحث تابعیت در حقوق ایران، فقط خانواده کوچک (والدین و فرزندان مستقیم) است، در حالی که در حقوق اسلام خانواده متوسط (والدین و فرزندان مستقیم و غیرمستقیم و حتی خدمه و دیگر افراد تحت تکفل) موضوع بحث می‌باشد؛ زیرا - دست‌کم بنا بر بعضی از فتاوی - اجمالاً تابعیت اجداد و مخدومین نیز در تابعیت نوادگان و خدمه تأثیرگذار است.^۳

۱. صفایی و امامی، حقوق خانواده، ج ۱، ص ۱۰؛ دینانی عبدالرسول، حقوق خانواده، ص ۱۷-۲۰ و ر.ک: همین کتاب، پی‌نوشت ۱.

۲. برای مطالعه بیشتر درباره خانواده از دیدگاه حقوق اسلام و ایران، ر.ک: همین کتاب، پی‌نوشت ۲.

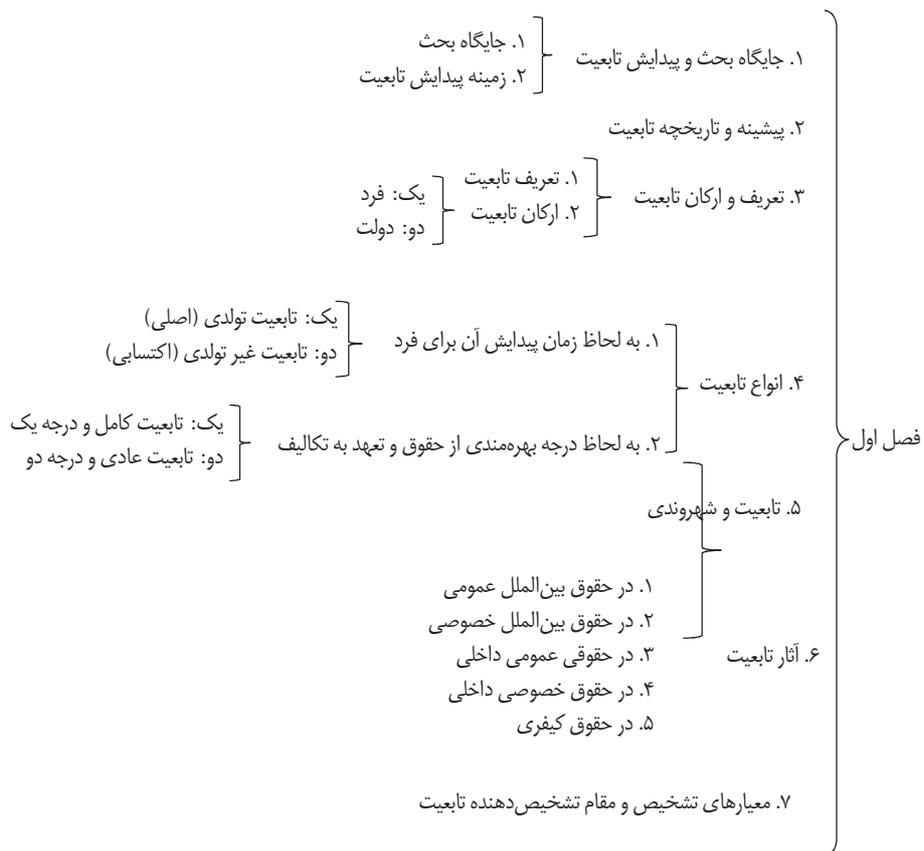
۳. ر.ک: اسلام و حقوق بین‌الملل خصوصی، ص ۱۴۹.

بخش اول

کلیات تابعیت

فصل اول

تبيين و توصيف تابعيت



مبحث اول: جایگاه بحث و زمینه پیدایش تابعیت

گفتار نخست: جایگاه بحث

علم حقوق، در بنیادی‌ترین تقسیم خود، از یک سو به حقوق عمومی و خصوصی و از سوی دیگر به حقوق ملی (داخلی) و بین‌المللی (خارجی) تقسیم می‌شود. حاصل این تقسیمات پیدایش چهار شاخه اصلی حقوق بدین شرح است: ۱. حقوق عمومی (داخلی)؛ ۲. حقوق خصوصی (داخلی)؛ ۳. حقوق بین‌المللی عمومی؛ ۴. حقوق بین‌الملل خصوصی. بدیهی است در زیرمجموعه هر یک از این چهار شاخه، موضوعات متعددی مورد بحث قرار می‌گیرد. در این میان موضوع «تابعیت» اگر چه هم در حقوق عمومی داخلی (حقوق اساسی) و هم حقوق بین‌الملل عمومی نیز مورد توجه قرار می‌گیرد، اما پرداختن تفصیلی به آن در عرف مجامع علمی حقوقی ایران، در حقوق بین‌الملل خصوصی انجام می‌شود.^۱

گفتار دوم: زمینه پیدایش تابعیت

کره زمین از یک سو، به «دولت-کشور»های متعدد و مستقل تقسیم شده است و از سوی دیگر، هریک از آحاد مردم جهان نیز به لحاظ سیاسی و حقوقی وابسته و متعلق به یکی از این دولت‌ها هستند.^۲ این وابستگی و ارتباط - که مردم جهان را عملاً بین کشورهای مختلف تقسیم

۱. ر.ک: کتاب‌های حقوق بین‌الملل خصوصی، از: نصیری، ص ۲۵؛ سلجوقی، ص ۴۲؛ ارفع‌نیا، ص ۴۹ و ۵۱-۵۲؛ شریعت‌باقری، ص ۱۸ و ۲۵؛ ابراهیمی، ص ۸۴ و ۸۷-۸۸؛ شیخ‌الاسلامی، ص ۱۷؛ و برخی از کتاب‌های حقوق بین‌الملل عمومی. توضیح این نکته نیز مفید است که در حقوق اسلامی، نه عنوان حقوق بین‌الملل خصوصی و نه عنوان تابعیت، وجود ندارد در عین آنکه هم مباحث حقوق بین‌الملل خصوصی و هم بحث تابعیت، در فقه اسلامی آمده است. یادآوری این نکته مفید است که ممکن است برخی بر این گمان باشند که به دلیل دینی بودن دولت اسلامی و یا دلایلی دیگر، نهاد تابعیت در فقه و حقوق اسلامی وجود ندارد، که گمانی نادرست است و در جای خود بدان پاسخ داده شده و وجود نهاد تابعیت در فقه و حقوق اسلامی ثابت گشته است (ر.ک: دانش‌پژوه، اسلام و حقوق بین‌الملل خصوصی، ص ۸۰-۸۲).

۲. نوع تعلق و وابستگی دیگری نیز وجود دارد که آن هم موجب تقسیم جغرافیایی اشخاص می‌شود. این تعلق که بیشتر جنبه «مادی» دارد - برخلاف تابعیت که عمدتاً جنبه معنوی دارد - به نام «اقامتگاه» خوانده می‌شود که خود یکی از موضوعات حقوق بین‌الملل خصوصی است.

می‌کند- در زبان حقوقی «تابعیت»^۱ نام گرفته است و اشخاصی را که متعلق به «دولت-کشور» معینی هستند «اتباع» آن دولت می‌نامند، اما باید دانست که: اولاً، این‌گونه نیست که همه اتباع یک دولت، در قلمرو ارضی آن دولت مقیم و ساکن باشند، بلکه ممکن است در عین حفظ این وابستگی و ارتباط، برای مدتی کوتاه یا بلند، در خارج از سرزمین دولت متبوع خود به سر برده و در کشور دیگری سکنی گزینند؛^۲ ثانیاً، به همین دلیل است که جمعیت موجود در هر کشوری، تماماً متعلق به آن دولت نبوده، بلکه در یک تقسیم‌بندی کلی، به دو گروه «اتباع»^۳ و «بیگانگان»^۴ تقسیم می‌شوند. تبعه یا «خودی» به آن کس گفته می‌شود که بالفعل تابعیت آن دولت را داشته باشد، هرچند اصالتاً و یا سابقاً دارای چنین ارتباطی نبوده است. در مقابل، «بیگانه» به فردی گفته می‌شود که بالفعل فاقد این ارتباط باشد؛ هرچند اصالتاً و یا سابقاً دارای چنین رابطه‌ای بوده است. بنابراین، به وسیله این رابطه - یعنی تابعیت - است که عنصر انسانی «دولت-کشور» که به نام «ملت»^۵ خوانده می‌شود، مشخص می‌گردد.

در این میان، اولین وظیفه دولت در عرصه بین‌الملل، این است که «افرادی را که متعلق به خود می‌داند، از افراد سایر کشورها جدا سازد»^۶ و سپس در میان اتباع، به پایگاه حقوقی آنان توجه نموده و تشخیص دهد که کدام‌یک از آنان تبعه عادی محسوب می‌شود و کدام یک شهروند.

1. Nationality/Citizenship.

۲. از همین جا روشن می‌شود که تابعیت، تنها رابطه‌ای سیاسی و حقوقی نیست، بلکه رابطه‌ای «معنوی» نیز هست که از فراسوی مرزها همچنان خود را حفظ می‌کند و به همین جهت است که در تعریف تابعیت بر عنصر «معنوی» نیز تکیه کرده‌اند (ارفع‌نیا، حقوق بین‌الملل خصوصی، ج ۱، ص ۴۹).

3. Nationals Citizens

4. Aliens

5. Nation

۶. وکیل، الجنسية و مرکز الاجانب، ص ۲۶؛ نصیری، همان، ص ۲۶.

مبحث دوم: پیشینه و تاریخچه تابعیت

هرچند که «قاعده‌های کنونی تابعیت، ساخته و پرداخته یکی دو سده اخیر می‌باشند [اما] رابطه میان فرد و دولت مسئله‌ای کهن می‌باشد. این رابطه از هنگامی که دولت در ابتدایی‌ترین صورت خود پدید آمده، همواره وجود داشته است»،^۱ و منطقاً همراه با تحول واقعی و مفهومی دولت و متناسب با نوع حاکمیت و جایگاه مردم در دولت‌ها، ضوابط تعیین تابعیت اشخاص نیز دستخوش تغییر و تحول می‌گشته است و چون نوع و شکل دولت‌ها و تحول آنها در همه کشورها یکسان نبوده است، به طور طبیعی تابعیت و تحولات آن نیز در همه کشورها یکسان و همانند نخواهد بود.

این مقدار مسلم است که از زمان پیدایش اولین دولت‌ها، مسئله تابعیت و تقسیم جغرافیایی اشخاص و در نتیجه تقسیم جمعیت هر کشور به خودی و بیگانه مطرح بوده است؛ اما اینکه خودی و بیگانه بر چه اساس تشخیص داده می‌شدند، چندان روشن نیست. آنگاه و آنجا که دولت در شخص فرمانروا خلاصه می‌شد، خضوع در برابر او، عامل پیوند اجتماعی و پیدایش جامعه سیاسی و تعیین‌کننده تابعیت فرد بوده و آن زمان و مکان که - به حقیقت یا فریب - کارمایه اصلی پیدایش دولت، دین و مذهب رسمی بوده، پیروی از مذهب رسمی و حاکم کمابیش و حداقل به عنوان یکی از عوامل تعیین‌کننده تابعیت مطرح بوده است.^۲ و در دوران جدید و معاصر و پس از ایجاد تحول در نوع روابط متقابل فرد و دولت و پیدایش اندیشه‌ها و اصطلاحات «حاکمیت»، «ملت» و «مردم»، تعلق و وابستگی حقوقی و سیاسی فرد به یک دولت، و یا عضویت او در جمعیت تشکیل‌دهنده یک دولت، مبنای تعیین تابعیت افراد قرار گرفته است.^۳

۱. سلجوقی، همان، ج ۱، ص ۱۵۵.

۲. برای مطالعه بیشتر درباره تاریخچه تابعیت، ر.ک: دانش‌پژوه، اسلام و حوق بین‌الملل خصوصی، ص ۱۹-۲۷.

۳. در اینجا، اشاره‌ای به پیشینه و تاریخچه تابعیت در دولت اسلامی، که در عین حال نشان‌دهنده معیارهای تابعیت اسلامی نیز هست، مفید به نظر می‌رسد: امت اسلامی، هرچند پیش از هجرت پیامبر گرامی اسلام ﷺ به مدینه، فراتر از هرگونه تعلق یا مرز نژادی، قومی، قبیله‌ای، سرزمینی و... تحقق پیدا کرده بود، اما تشکیل دولت اسلامی به دلیل فقدان حاکمیت سیاسی بالفعل و نداشتن قلمرو ارضی مستقل تا زمان

مبحث سوم: تعریف و ارکان تابعیت

گفتار نخست: تعریف تابعیت

معمولاً تابعیت را اولین و مهم‌ترین عامل تفسیم «جغرافیایی-سیاسی» افراد و نشان‌دهنده ارتباط آنان با دولتی خاص دانسته، آن را چنین تعریف می‌کنند: «تابعیت عبارت از رابطه‌ای سیاسی و معنوی است که شخصی را به دولت معینی مرتبط می‌سازد».^۱

اما حقیقت آن است که «در مورد تعریف تابعیت، دانشمندان حقوق بین‌الملل بحث‌های مفصل و متعدد کرده‌اند [اما] نظر واحدی ارائه نداده‌اند».^۲ در مقام جمع بین تعاریف مذکور و ارائه یک تعریف نسبتاً جامع از «تابعیت حقیقی»^۳ که موضوع آن «شخص حقیقی» است،

هجرت آن حضرت به مدینه به تأخیر افتاد. با هجرت پیامبر ﷺ به مدینه، اولین هسته دولت-کشور اسلامی در قلمرو محدود شکل می‌گیرد و با ترکیب عناصر چهارگانه حاکمیت، حکومت، سزمین و جمعیتی مستقل، اولین دولت اسلامی ظاهر می‌شود و با پیمان مدینه، عنصر انسانی و جمعیت دولت نبوی مشخص می‌شود. در این پیمان، به هیچ‌وجه از عناصر و ارزش‌های قومی و قبیله‌ای و خونی و سرزمینی به‌عنوان بنیاد و عامل زیرساخت تشکیل جامعه سیاسی اسلام سخنی نرفته است؛ هرچند به لحاظ موضوعی و خارجی و متناسب با بافت جوامع آن زمان، طوایفی چند طرف پیمان بوده‌اند. به هر حال، معیار عضویت در جامعه سیاسی اسلام یکی از دو چیز بوده است: مسلمان بودن یا پیمان‌پذیر بودن. و بدین شکل امت مسلمان و امت یهود مدینه، در عین حفظ آیین و استقلال جامعه دینی خود، جامعه سیاسی واحدی را پدید می‌آورند و بدین سان پیامبر ﷺ در میان پیروان خویش وحدت دینی را جانشین وحدت قومی کرد و پیروان دیگر ادیان را جدا از وابستگی‌های قومی و نژادی و سرزمینی، به شرط «پیمان» به عضویت جامعه سیاسی خود پذیرا شد. در آغاز و در دولت-شهر کوچک مدینه النبی، هرچند غیرمسلمانان (یهود مدینه) بخش قابل توجهی از جمعیت دولت اسلامی را تشکیل می‌دادند، لکن بعدها با فتح مکه و سپس سرزمین‌های جدید و پذیرش اسلام از سوی مردم، مسلمانان عنصر اصلی و غالب ترکیب جمعیتی دولت اسلامی را تشکیل دادند. در عین حال، با نزول آیات سوره توبه و تشریح پیمان ذمه، عضویت پیمانی و قراردادی، از یهودان مدینه فراتر رفته و سایر اهل کتاب را نیز شامل شد و آنان نیز توانستند با حفظ آیین خود در پرتو پذیرش عقد ذمه در جامعه اسلامی - و نه امت مسلمان - عضویت یابند (دانش‌پژوه، همان، ص ۸۲-۸۷).

۱. نصیری، همان، ص ۲۶.

۲. ارفع‌نیا، همان، ص ۴۹.

۳. در برابر تابعیت حقیقی، تابعیت مجازی است که موضوع آن اشخاص حقوقی و برخی از اشیاء خاص مثل کشتی‌ها و هواپیماها می‌باشد. تعریف مذکور در متن، تعریف خاص تابعیت است که فقط تابعیت اشخاص حقیقی را شامل می‌شود، اما اگر بخواهیم تابعیت به معنای عام را - که شامل تابعیت مجازی نیز می‌شود - تعریف کنیم، باید عنصر «عضویت فرد در جمعیت تشکیل‌دهنده دولت» را از آن حذف کرده، چنین

می‌توان چنین گفت: «تابعیت، عبارت از آن نوع تعلق و ارتباط (پیوند، انتساب، اتصال) حقوقی، سیاسی و معنوی فرد به دولتی معین است که عضویت فرد را در جمعیت تشکیل‌دهنده آن دولت به اثبات رساند» یا می‌توان با اندک مسامحه‌ای و به‌گونه‌ای معکوس، آن را چنین تعریف کرد: «تابعیت، عبارت است از آن نوع عضویت فرد در جمعیت تشکیل‌دهنده دولت که دارای جمیع آثار حقوقی،^۱ سیاسی^۲ و معنوی^۳ باشد».^۴

گفتار دوم: ارکان تابعیت

براساس آنچه گذشت، برای تحقق تابعیت وجود دو رکن لازم است، فرد و دولت، تا رابطه‌ای به نام تابعیت بین آنها به وجود آید.

- بگوییم: «تابعیت، عبارت است از رابطه و تعلق حقوقی، سیاسی و معنوی یک شخص حقیقی و یا یک شخص حقوقی و یا یک شیئی به دولتی معین».
۱. «تابعیت، یک رابطه حقوقی است، زیرا دارای اثرات حقوقی در نظام بین‌المللی و در نظام داخلی می‌باشد. در نظام بین‌المللی، اتباع یک کشور از حمایت سیاسی دولت خود در خارج و نیز از حمایت کلیه قواعد پذیرفته مابین دولت متبوع خود و دول دیگر (مثل عهدنامه‌ها) برخوردارند. در نظام داخلی نیز، تبعه از طرفی دارای حقوق سیاسی مثل حق رأی می‌باشد و از طرفی دیگر، از کلیه حقوقی که توسط قوانین مدنی و تجاری وضع شده است، برخوردار است» (ارفع‌نیا، همان ص ۵).
 ۲. «رابطه [بین فرد و دولت] سیاسی است، زیرا که ناشی از قدرت و حاکمیت دولتی است که فردی را از خودش می‌داند. به همین علت است که در بعضی از کشورها، مقررات راجع به تابعیت را در قوانین اساسی ذکر می‌کنند» (ر.ک: سلجوقی، همان، ص ۲۶؛ ارفع‌نیا، همان، ص ۴۹؛ مدنی، همان، ص ۳۳؛ نیایکی، حقوق بین‌الملل عمومی، ص ۸۲؛ شمس‌الدین الوکیل، الجنسية ومركز الأجناب، ص ۵۰).
 ۳. «تابعیت یک رابطه معنوی است، زیرا اتباع کشور را از نظر هدف‌ها و عادات و رسوم که دارند، به یک دولت پیوند می‌دهد و ارتباطی به مکان و زمان مشخص ندارد. هرگاه کسی تبعه دولتی محسوب شود، به هر کشور دیگر برود، باز هم تبعه همان دولت می‌باشد و نفس تغییر مکان یا اقامتگاه، تغییری در رابطه معنوی او با دولت متبوع خودش ایجاد نمی‌کند» (ارفع‌نیا، ص ۵۰).
 ۴. در حقوق اسلامی هم دقیقاً همین معنی موردنظر است، اگرچه ممکن است معیارهای عضویت به‌ویژه در تابعیت تاسیسی متفاوت باشد. بدین معنا که افرادی که با معیارهای اسلامی (ایمان=مسلمان بودن یا مسلمان شدن، یا پیمان=ذمی بودن یا ذمی شدن)، عضویت از جمعیت تشکیل‌دهنده دولت اسلامی باشند، اتباع این دولت محسوب می‌شوند و دیگران بیگانه به شمار می‌آیند (برای مطالعه بیشتر، ر.ک: همین کتاب، پی‌نوشت ۳).

بند یک: فرد

یک طرف رابطه تابعیت فرد است و اصولاً بدون وجود افراد دولتی قابل تصور نیست تا بین فرد و دولت رابطه‌ای به نام تابعیت شکل بگیرد. مقصود اصلی از فرد هم، شخص حقیقی، یعنی همان افراد انسانی است که تابعیت حقیقی درباره آنها مطرح می‌شود، اگرچه اشخاص حقوقی و حتی اشیاء هم می‌توانند به‌عنوان یک رکن از تابعیت، با دولتی خاص ارتباطی به نام تابعیت داشته باشند، اما این تابعیت، یک تابعیت مجازی - و نه حقیقی - است که موضوع بحث ما نیست.

بند دو: دولت

مقصود از دولت در اینجا، نه قوه مجریه است و نه حتی مجموعه نهادهای فرمانروا (حکومت)، بلکه مقصود از دولت یک شخصیت حقوقی است که از اجتماع و ترکیب چهار عنصر «سرزمین، جمعیت، حکومت و حاکمیت»، انتزاع می‌شود و در ادبیات حقوقی و سیاسی، بسته به مورد، بیشتر با عنوان ترکیبی «دولت-کشور» یا «دولت-ملت» از آن یاد می‌شود تا با دولت به‌معنای حکومت و یا قوه مجریه اشتباه نشود. تعلق حقوقی، سیاسی و معنوی فرد به دولتی بدین معنا، که از رهگذر عضویت داشتن یا عضویت یافتن او در جمعیت تشکیل‌دهنده آن دولت حاصل می‌شود، تابعیت نام دارد. حال فرقی نمی‌کند که این دولت، دولتی تک‌ساخت و یکپارچه باشد (همچون ایران)، یا دولتی فدرال و مانند آنکه ترکیبی از ایالت‌ها، دولت‌ها و جمهوری‌های داخلی باشد (مثل ایالات متحده آمریکا یا اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی سابق).^۱

در این میان، مقصود از جمعیت، صرفاً جمعیت تشکیل‌دهنده دولت است، یعنی مجموعه افرادی که بدون آنها، دولتی وجود نخواهد داشت. جمعیت بدین معنا از یک سو شامل بیگانگان

۱. ر.ک: آل کجیاف، تابعیت در حقوق ایران و سایر کشورها، ص ۱۸-۱۹؛ ابراهیمی، حقوق بین‌الملل خصوصی، ص ۸۵-۸۷؛ سهرابی، حقوق بین‌الملل خصوصی، ص ۳۰-۳۲؛ شریعت‌باقری، همان، ص ۲۹-۳۲؛ مدنی، همان، ص ۵۱-۵۲؛ نصیری، همان، ص ۲۷-۲۸؛ نظیف، حقوق بین‌الملل خصوصی، ج ۱، ص ۳۹-۴۰.

سرزمین آن دولت نمی‌شود و از سوی دیگر، اتباع مقیم خارج از سرزمین آن دولت را نیز شامل می‌گردد.^۱

مبحث چهارم: انواع تابعیت

تابعیت و قوانین مربوط به آن از جهات مختلف قابل مطالعه، تقسیم و نام‌گذاری است که اصلی‌ترین و مهم‌ترین آنها، یکی تقسیم تابعیت براساس زمان پیدایش آن برای فرد به تابعیت اصلی و اکتسابی است و دیگر، تقسیم آن، به لحاظ درجه برخورداری فرد از حقوق و مزایا و یا الزام به وظایف و تکالیف، به تابعیت عالی و عادی است، که ذیلاً و در ضمن دو بند به آن می‌پردازیم.^۲

۱. نکته قابل توجه درباره تفاوت نقش هر یک از عناصر چهارگانه در تابعیت تأسیسی و تابعیت استمراری است. در پیدایش اصل نهاد تابعیت (تابعیت تأسیسی) عنصر حاکمیت بیشترین نقش را دارد، زیرا تا حاکمیتی وجود نداشته باشد، دولتی وجود نخواهد داشت تا رابطه‌ای به نام تابعیت آن دولت پدید آید، حتی اگر هر سه عنصر دیگر (سرزمین، جمعیت و حکومت) وجود داشته باشد، چنان‌که در جمهوری‌های شوروی سابق، با وجود اجتماع عناصر سه‌گانه، چیزی به نام تابعیت وجود نداشت، اما به محض فروپاشی شوروی سابق و استقلال هر یک از جمهوری‌ها و به دست آوردن عنصر حاکمیت و تأسیس دولت‌های جدید، تابعیت‌های این دولت‌ها نیز تحقق خارجی یافت. اما پس از پیدایش اصل نهاد تابعیت و در استمرار وجود آن (تابعیت استمراری)، بیشترین نقش از آن عنصر جمعیت است، بدین معنا که هر کس که عضوی از جمعیت تشکیل‌دهنده دولتی باشد یا بشود، تبعه آن دولت محسوب می‌شود البته برای تحقق این عضویت، بسته به مورد و بسته به قانون‌گذاری دولت‌ها، گاه عنصر سرزمین نیز به‌عنوان زادگاه، اقامتگاه و یافتگاه - به شرحی که خواهد آمد - تأثیرگذار است و گاه هیچ نقش و تأثیری ندارد. همچنان‌که عنصر حکومت و به‌ویژه قوه مجریه نیز، بیشتر نقش تشخیص‌دهنده تابعیت را دارد، گرچه در برخی موارد (مثل تابعیت‌های ارادی و تحصیلی) در ایجاد رابطه تابعیت و اعطای آن نیز، تأثیرگذارند.
۲. البته تقسیمات دیگری هم برای تابعیت وجود دارد که چون در نظام تابعیت کنونی تابعیت ایران اثری بر آنها مترتب نیست، بدان نمی‌پردازیم، از جمله: تقسیم تابعیت به لحاظ زمان پیدایش دولت، به تابعیت تأسیسی و تابعیت استمراری است (دانش‌پژوه، اسلام و حقوق بین‌الملل خصوصی، ص ۳۴-۳۶؛ مسلم، القانون الدولي الخاص، ص ۱۰۲ و ۱۵۶؛ وکیل، الجنسية و مركز الأجناب، ص ۷۴).

گفتار نخست: انواع تابعیت به لحاظ زمان پیدایش آن برای فرد

تابعیت بر مبنای زمان پیدایش آن برای فرد به دو نوع تابعیت «اصلی» و «اکتسابی» تقسیم می‌شود که هرکدام انواع و تقسیمات جزئی‌تری دارند که در گفتار مربوط به دارا شدن تابعیت، به آن خواهیم پرداخت. مقصود از تابعیت اصلی یا «تابعیت مبدأ» تابعیتی است که فرد از آغاز تولد دارای آن است و به همین دلیل، آن را «تابعیت تولدی» نیز می‌نامند. در مقابل، منظور از تابعیت اکتسابی، تابعیتی است که شخص با فاصله‌ای بعد از تولد آن را دارا می‌گردد.^۱

گفتار دوم: انواع تابعیت به لحاظ درجه بهره‌مندی تبعه از حقوق و الزام به تکالیف

از سوی دیگر، براساس درجه بهره‌مندی شخص تبعه از حقوق و مزایا - که بیشتر براساس چگونگی تعلق شخص به یک جامعه سیاسی استوار است - تابعیت به دو نوع «تابعیت درجه یک» و «تابعیت درجه دو» یا «تابعیت کامل» و «تابعیت عادی» و یا «شهروندی» و «تابعیت»^۲ (به نحو مطلق و اعم) تقسیم‌پذیر است. معیار این تفاوت و امتیاز، در درجه قوت و استحکام تابعیت و عضویت فرد در یک جامعه سیاسی است. از همین رو، معمولاً اتباع اصلی که با تولد، دارای تابعیت دولتی خاص شده‌اند، اتباع کامل و درجه یک، و یا شهروندان آن دولت محسوب می‌شوند و در برابر، اتباع اکتسابی که بعدها به عضویت آن جامعه سیاسی درآمده‌اند، اتباع عادی و درجه دو به حساب می‌آیند.^۳ ماده ۹۸۲ قانون مدنی ایران (مصوب ۷۰/۸/۱۴ مجلس شورای اسلامی) که اتباع اکتسابی ایران را از رسیدن به مقامات ذیل منع

۱. ر.ک: نصیری، حقوق بین‌الملل خصوصی، ص ۶۱؛ سلجوقی، حقوق بین‌الملل خصوصی، ج ۱، ص ۲۰۳؛ و دیگر کتب حقوق بین‌الملل خصوصی.

۲. ر.ک: بوشهری، حقوق اساسی، ج ۲، ص ۲۱۹؛ آقاحسینی، «بررسی مواضع و نقطه‌نظرهای جمهوری اسلامی ایران و دولت آمریکا در پرونده الف ۱۸، تابعیت مضاعف» ش ۴، ص ۵۶.

۳. البته اصلی یا اکتسابی بودن تابعیت، همیشه معیار تقسیم اتباع به «درجه یک» و «درجه دو» نیست؛ بلکه چه بسا، حتی با صرف نظر از اصلی یا اکتسابی بودن تابعیت - در دولت‌های بزرگ «فراقومی»، «فرانزادی» و «فرامذهبی»، عضویت فرد در جامعه «قومی»، «نژادی» و یا «مذهبی» خاص، ممکن است موجب افزایش حقوق و امتیازات او گردد، چنان‌که بعضاً بهره‌مندی از ارزش‌های حاکمیت، موجب این امتیاز و اختلاف می‌گردد (دانش‌پژوه، اسلام و حقوق بین‌الملل خصوصی، ص ۳۵ و ۹۵-۹۷ و نیز ر.ک: همین کتاب، پی‌نوشت ۳).

می‌کند، نمونه خوبی از تقسیم تابعیت به درجه یک و درجه دو براساس تولدی یا اکستابی بودن آن است، که در جای خود بدان خواهیم پرداخت.

مبحث پنجم: تابعیت و شهروندی (و دیگر نهادهای نزدیک و مرتبط)

نهاد و مفهوم «تابعیت» با برخی نهادها و مفاهیم دیگر، همچون «شهروندی»، «تبعیت»، «ملیت» و «مذهب» رابطه‌ای نزدیک دارد. جهت روشن‌تر شدن حقیقت تابعیت و نوع نسبت آن با این نهادها و مفاهیم و درنیامیختن آنها با یکدیگر، مطالعه مقایسه‌ای آنها ضروری به نظر می‌رسد،^۱ که در اینجا به تبیین رابطه تابعیت با شهروندی بسنده می‌شود.

واژه شهروند از ابتدای پیدایش تاکنون مفاهیم متعددی داشته است،^۲ اما در رابطه با بحث حاضر، برای «شهروند» و «شهروندی»، دو نوع تعریف ذکر شده است: بنا بر برخی تعاریف، «شهروندی» مفهومی جز «تابعیت» ندارد و دقیقاً مترادف همان معنی است.

اما بنا بر تعریفی دیگر، تابعیت، مفهومی اعم از شهروندی دارد و بنابراین، شهروندی نوع خاصی از تابعیت است. اتباع، خود به دو دسته شهروند و غیرشهروند تقسیم می‌شوند. هر شهروند ضرورتاً تبعه نیز هست، اما هر تبعه‌ای لزوماً شهروند نخواهد بود؛ زیرا «شهروند، صرفاً به تبعه‌ای اطلاق می‌شود که از حقوق مدنی و سیاسی کامل برخوردار باشد»؛^۳ «شهروند کسی است که حقوق و تکالیف به یک عضو تمام عیار کشوری را داراست».^۴

۱. ر.ک: دانش‌پژوه، همان، ص ۳۶-۴۴.

۲. برای مطالعه بیشتر درباره تحول مفهومی اصطلاح «شهروندی» و دیگر مباحث آن، ر.ک: وند نوروز، تحول مفهوم شهروندی؛ صالحی، سیر تحول تاریخی مفاهیم شهروند و حقوق شهروندی؛ ماری گای، شهروند در تاریخ اندیشه غرب، ترجمه عباس باقری؛ نظری، شهروندی و هویت؛ ریچار بلامی، شهروندی چیست؟ ترجمه لقمان کاظم‌پور؛ روشنفکر و مداح، پژوهشی در منشورهای شهروندی؛ شریفی طراز کوهی، درآمدی بر شهروندی جهانی؛ عباسی آبخواره و عابدینی، شهروند و حقوق شهروندی؛ کیت فالكس، حقوق شهروندی، ترجمه عبدالعزیز ویسی؛ استفان کاستلر-آلیستر دیویدسون، مهاجرت و شهروندی، ترجمه فرامرز تقی‌لو؛ اکبری، نگاهی به حقوق شهروندی؛ حاتمی شندی و فنیریان (فیاض)، شهروندی در سبک زندگی اسلامی؛ مطیعی فرد، اسلام و شهروندی؛ بستان، الجئیة و القومیة.

۳. آقا‌حسینی، همان.

4. International Relation Dictionary, p.261.